

# امام خمینی (ره)

## وجنبشهای اسلامی معاصر

■ سید عبدالقیوم سجادی

اگر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اغلب جنبشهای اسلامی در مواجهه با مظاهر زندگی عصر جدید و تمدن خیره کننده غرب، موضع انفعالی داشته و در مورد کارآمدی تعالیم دینی در مدیریت معقول و شایسته جوامع اسلامی در شک و تردید به سر می بردند، تحول همه جانبه انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام (ره) این باور وثیق را در اذهان نیروهای مسلمان جای داد که اسلام به عنوان یک مکتب آسمانی می تواند مهمترین تحولات جهانی را رقم زده و برای پرسشهای عصر جدید و مدیریت جوامع، نسخه شفابخشی را ارایه نماید. همین یک نکته، مهمترین تأثیر افکار سیاسی - دینی حضرت امام (ره) بود که از یک سو جنبشهای موجود را در بُعد نظری بر مبنای وثیق دینی استوار می ساخت و از سوی دیگر، باورهای دینی را به عنوان عامل بالنده و تحرک آفرین در سرنوشت جوامع انسانی مطرح می نمود. حضرت آیه... خامنه ای در این زمینه می گویند:

آثار و برکات انقلاب اسلامی بر حرکتیهای رهایی بخش و نهضت‌های جهانی

اسلام را می‌توان از موج اسلام خواهی و گسترش مبارزات انقلابی علیه نظام ظالمانه حاکم بر جهان از خاورمیانه تا شمال آفریقا و از آسیای مرکزی تا قلب اروپا، مشاهده نمود.... احیای هویت اسلامی در میان مسلمانان، بیداری ملت‌ها و ایجاد نشاط و امید در نیروهای مبارز و انقلابی جهان، از ثمرات مسلم و انکارناپذیر انقلاب اسلامی ایران است.<sup>(۱)</sup>

در حوزه عملی و عینی نیز قیادت پیروزمندانه حضرت امام و استراتژی موفق و بالنده وی، تجربیات ارزشمند و غنی را فرا روی مسیر مبارزاتی جنبشهای اسلامی قرار داده و بارقه‌های امید و پیروزی را برای آنان به ارمغان گذاشت. تجربیات عینی و استراتژی مبارزاتی حضرت امام، بزرگترین دستاوردهای عینی و موفق رهبری جنبش دینی را در تاریخ نهضت‌های دینی و جنبشهای اسلامی از خود به یادگار گذاشت؛ زیرا نهضت‌های تجدید حیات سیاسی که به تازه گی در میان مسلمانان رایج گردیده بود، هیچ کدام نتوانستند به اهداف مطلوب خویش برسند و انقلاب اسلامی ایران نخستین تجربه موفق و پیروزمندانه نهضت دینی بود که توانست برای نخستین بار، اهداف و آرمانهای خیزشهای اسلامی و جنبشهای دینی را در ایران اسلامی جامه عمل پوشاند.<sup>(۲)</sup> این امر از یک سو مجموعه گرانسنگ تجربیات سیاسی و دینی را فرا روی پیشگامان نهضت‌های اسلامی قرار داده و از سوی دیگر، امید به پیروزی و توفیق نیل به آرمان والای این نهضت‌ها را که سالیان متمادی صرفاً به عنوان آرمان و اهداف مقدس در مرحله نظر باقی مانده بود، به وجود آورد.

بنابر این، می‌توان گفت که «در تاریخ معاصر اسلام، این نخستین بار است که جنبش اسلامی قدرت آن را پیدا کرده است که انقلابی را شکل دهد و آن را توسط شیوه‌ای مردمی پیاده کند. در نتیجه، می‌توان گفت که با حرکت اسلامی مردم ایران، اسلام توانسته است هم از جنبه نظری و هم از بعد عملی عینیت یابد و مصداق خارجی پیدا کند. ابعاد اجتماعی اسلام، در تمامی مراحل انقلاب اسلامی ایران جلوه می‌کند و در همان زمان، ایرانیان به شدت در مقابل متجاوزین و استکبار جهانی که محاصره اقتصادی را به عنوان ابزاری در جهت تضعیف انقلاب به دست گرفته‌اند، مقاومت می‌کنند و رنج کمبودها را

به جان می‌خرند. در نتیجه، می‌توان گفت در میان جنبشهای اسلامی، انقلاب سیاسی - اجتماعی ایران، از لحاظ مقاومت در مقابل تجاوز خارجی و همچنین در برخی از ابعاد اجتماعی؛ چون بُعد مذهبی، موقعیت چشمگیر و درخشان دارد.»<sup>(۳)</sup>

### جهانی بودن نهضت امام خمینی (ره)

هر چند انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام (ره) یک رخداد سیاسی بود که در درون جامعه ایران صورت گرفت؛ اما ویژگی عام و جهانی آن که برخاسته از عنصر مذهب و خصلت دینی آن بود، موجب می‌شد که این تحول تاریخی در مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی محدود نمانده و تا اقصی نقاط جهان اسلام و بلکه جوامع بشری تأثیرات عمیق و جدی از خود به جای گذارد. بدین ترتیب، «رویدادهای ایران، مهمترین رویدادهای جهان اسلام طی تاریخ اخیر است. این رویدادها به هیچ وجه یک سری وقایع مجرد و محدود به شرایط ایران نیست.»<sup>(۴)</sup>

بنابراین، انقلاب اسلامی ایران که تبلور اندیشه سیاسی رهبری این نهضت دینی است، با توجه به خصلت دینی و مکتبی خود به همان سان که در بُعد نظری خود را در محدوده جغرافیایی خاص محصور ننموده و اهداف و آرمان سیاسی - اجتماعی فرا مرزی و جهان وطنی را طرح و پی‌ریزی نموده است؛ در حوزه عملی نیز استراتژی و سیاست‌گذاری عملی و عینی خویش را به گونه‌ای سامان داده است که دقیقاً اهداف جهانی و انسانی انقلاب را که برخاسته از عقاید دینی مسئولیت مکتبی یک انقلاب دینی و اسلامی است، مورد توجه قرار داده است. این نکته در اندیشه سیاسی حضرت امام در تبیین ماهیت انقلاب اسلامی از اهمیت خاص برخوردار می‌باشد. در فرازی از سخنان بنیانگذار نهضت اسلامی ایران می‌خوانیم:

«ماکه نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم. جمهوری، جمهوری اسلامی است. نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد؛ حتی در کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم (ص) اهل عربستان

است؛ لکن دعوتش مال عربستان نبوده، محصور نبوده به عربستان، دعوتش مال

همه عالم است.»<sup>(۵)</sup>

و در همین راستا، تأثیرگذاری انقلاب اسلامی و اندیشه‌های دینی و جهانی حضرت امام بر نهضت‌های اسلامی و خیزش‌های رهایی بخش، به دلیل رابطه عمیق ماهوی و ذاتی آن، آشکار و هویدا خواهد شد. «نهضت مقدس ایران، نهضت اسلامی است و از این جهت، بدیهی است که همه مسلمین جهان تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند.»<sup>(۶)</sup>

### مهمترین شاخصهای جهانی بودن انقلاب اسلامی

در یک برآورد کلی، می‌توان مهمترین شاخصهای جهانی بودن انقلاب اسلامی که به نوبه خود بازتاب اندیشه جهانی رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار آن نیز می‌باشد، در محورهای زیر طرح و مورد واریسی قرار داد:

- ۱- تأکید بر اصول ثابت دعوت، نفی سبیل و حفظ دارالاسلام؛
- ۲- حمایت از مستضعفین و مظلومان عالم؛
- ۳- استکبار ستیزی و ظلم زدایی؛
- ۴- تأکید بر «امت اسلامی».

### ۱- اصل دعوت و صدور انقلاب

اصل دعوت و صدور انقلاب، یکی از اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که حضرت امام (ره) آن را تا سطح اهداف غیر قابل تسامح نهضت دینی ایران ارتقا داده و به عنوان رسالت و وظیفه کارگزاران نظام اسلامی معرفی نموده‌اند:

«مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران

نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (ع) است...

مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند،

منصرف کند، خطر بزرگ و خیانت سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری

اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید؛ ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.»<sup>(۷)</sup>

حضرت امام خمینی (ره) در جای دیگر، اصل صدور انقلاب را از ملزومات و تبعات ماهیت دینی و اسلامی آن عنوان نموده و استمرار و دوام آن را مورد تاکید قرار می دهند: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم، چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله الا الله و محمد رسول الله (ص) بر تمام جهان طنین نیفتد، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم.»<sup>(۸)</sup>

صدور انقلاب که در منظومه اندیشه سیاسی حضرت امام به عنوان یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی عنوان می گردد، با آنچه بیگانگان و دشمنان انقلاب اسلامی از آن با عنوان کشورگشایی و دخالت در امور و سرنوشت سایر ممالک اسلامی یاد و تبلیغ نموده اند، تفاوت جدی و آشکاری دارد؛ زیرا صدور انقلاب در اندیشه سیاسی حضرت امام نه به مفهوم دخالت در امور دیگران، که به معنای ترویج و اشاعه تفکر ظلم ستیزی و استکبار زدایی در میان ملل مستضعف و اسلامی است. صدور انقلاب به مفهوم انتقال تجربیات ارزشمند یک نهضت دینی است که بر بنیان باورهای مکتبی امت اسلامی شکل گرفته و امت در بند و تحت اسارت اسلامی را نوید رهایی و آزادی می بخشد. دقیقاً یک چنین تلقی از صدور انقلاب است که جایگاه نهضت دینی ایران و تأثیر عمیق اندیشه های مکتبی بنیانگذار این نهضت بر جنبشهای اسلامی و نهضت های دینی را بازگو می نماید.

«اینکه می گویم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنای غلط را از آن برداشت نکنند که ما می خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرتها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملتها و در همه دولتها بشود. آرزوی ما این است. معنای صدور انقلاب ما این است که همه ملتها بیدار بشوند و همه دولتها

بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند، نجات بدهد.»<sup>(۹)</sup>

بدین ترتیب، اصل دعوت و صدور انقلاب که یکی از مفروضات اساسی اندیشه سیاسی حضرت امام در روابط خارجی با دیگر کشورهای اسلامی است، ارتباط عمیقی را میان انقلاب اسلامی ایران و نهضت‌های اسلامی به وجود می‌آورد. ارتباطی که در فرایند آن، بنیانگذار نهضت دینی ایران تلاش دارد تا تجربیات عینی و مبارزاتی خویش را همراه با تفکر و باورهای انقلابی و دینی خویش، به پیشگامان جنبش‌های اسلامی و رهایی‌بخش انتقال داده و زمینه‌های رشد و شکوفایی آنان را فراهم سازد.

## ۲- حمایت از مستضعفین و مظلومان عالم

حمایت از مستضعفین و ملل تحت ستم، از دیگر پیش فرض‌های سیاست خارجی حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام محسوب می‌گردد. داعیه حمایت از مستضعفین پدیده‌ای است که انقلاب اسلامی و اندیشه‌های رهبری آن را فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی امتداد داده و آن را چونان حلقه‌ای با تمامی جنبش‌های اسلامی بلکه کلیه خیزش‌های رهایی‌بخش مرتبط می‌سازد. «ما طرفدار مظلوم هستیم؛ هر کسی در هر قطبی که مظلوم باشد، ما طرفدار آنها هستیم. و فلسطینی‌ها مظلوم هستند و اسرائیلی‌ها به آنها ظلم کرده‌اند، از این جهت ما طرفدار آنها هستیم.»<sup>(۱۰)</sup>

تلاش برای تشکیل جبهه واحد مستضعفین یکی از محورهای اساسی اندیشه سیاسی حضرت امام (ره) بود که اثرات خاصی روی ملل محروم و جنبش‌های رهایی‌بخش از خود به جای گذاشت.

«مستضعفین جهان، چه آنها که زیر سلطه آمریکا و چه آنها که زیر سلطه سایر قدرتمندان هستند، اگر بیدار نشوند و دستشان را به هم ندهند و قیام نکنند؛ سلطه‌های شیطانی رفع نخواهد شد. و همه باید کوشش کنیم که وحدت بین مستضعفان در هر مسلک و مذهبی که باشند، تحقق پیدا کند... ما عازم هستیم که

تمام سلطه‌ها را نابود سازیم و شما هم کوشش کنید که ملت‌ها را با حق همراه

کنید...» (۱۱)

بدین ترتیب می‌توان گفت؛ استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) که به عنوان یک استراتژی کارآمد و ضروری برای هرگونه مبارزه و رفع ظلم شناخته شده است، مرزهای وطنی و مذهبی را در نوردیده و به عنوان یک ضرورت، میان کلیه جوامع تحت سلطه مطرح می‌گردد. هر چند اندیشه وحدت اسلامی از دیرباز در رأس برنامه‌های اسلامی و آزادی خواهی مصلحان بزرگ اسلامی و پیشگامان نهضت‌های اسلامی قرار داشته است؛ اما حضرت امام (ره) با اهتمام و تاکید بر این عنصر اساسی، نه تنها استراتژی وحدت را میان ملل اسلامی دنبال نمود که آن را در حوزه وسیعتر؛ یعنی ملل مستضعف و تحت ستم، مورد تاکید قرار داد.

تاکید بر پدیده وحدت ملل مستضعف در قالب جبهه واحد مستضعفان، از یک سو به لحاظ نظری جبهه مستضعفین را امیدوار می‌ساخت و از سوی دیگر، تجربیات عینی و دستاوردهای این پدیده میمون در ایران اسلامی را پیش روی نهضت‌های نوپا و ضد استعماری در جای جای عالم قرار می‌داد.

### ۳- استکبار ستیزی و ظلم زدایی

مبارزه با ظلم و نفی استکبار، از اصول اساسی اندیشه مبارزاتی حضرت امام (ره) بوده و همواره مورد تاکید قرار گرفته است. ظلم زدایی و مبارزه با استکبار به عنوان یک مسؤولیت دینی-سیاسی، جدی‌ترین آثار را در قیام ملل مستضعف علیه نظام ظالمانه حاکم بر جهان از خود به جای گذاشته است.

اندیشه ظلم ستیزی حضرت امام (ره) که برخاسته از تفکر دینی و باور ناب مذهبی ایشان بود، از یک سو با طرح پدیده ظلم ستیزی به عنوان تکلیف دینی، موجب می‌شد که این تفکر با غیرت دینی امت اسلامی گره خورده و برای همیشه به عنوان یکی از الزامات و تکالیف دینی نقش آفرین گردد و از سوی دیگر، روحیه مبارزه با ظلم و قدرتهای استکباری را در عمق جان توده‌های تحت ستم کاشته و بدین سان، زمینه

خیزش و جنبشهای رهایی بخش و ضد استعماری را بیش از پیش فراهم می ساخت. مواجهه و رویارویی جدی و همه جانبه حضرت امام در برابر دنیای استکبار و بویژه ابرقدرت آمریکا، در ابعاد نظری و عملی، تاثیرات خاص و عمیقی را در جهان و بویژه جنبشهای اسلامی از خود به جای گذاشت. اگر تا قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، رویارویی با دنیای استکباری و ایستادگی در برابر غرب و آمریکا، تنها یک آرمان و ذهنیت دور از واقعیت تلقی می شد؛ با شکل گیری انقلاب اسلامی و پیروزی همه جانبه آن، جهان مستضعف به مبارزات ضد استعماری و رهایی بخش شان امیدوار گردیدند و نهضت‌های اسلامی در عرصه جهانی جان تازه ای یافت.

«پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جنبشهای اسلامی بسیاری در جهان اسلام بود؛ اما این جنبشها به دلیل فشارهای سیاسی در ترس و هراس و نگرانی بودند و به دلیل وضعیت حاکم، هراس داشتند که حرکت خود را علنی سازند و مسلمانان را بسیج کنند و به مبارزه بپردازند. انقلاب اسلامی این دیوار ترس را فرو ریخت و به حرکت‌های اسلامی این درس را آموخت که می توان با بهره گیری از نیروهای مسلمان، بزرگترین قدرتها را به زیر کشید. لذا پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، توده های مسلمان در سودان، الجزایر، تونس، مصر و... به پا خاستند و ملتهای مسلمان گامهایی به پیش برداشتند و حرکت توده های مسلمان در سراسر جهان اسلام رشد فزاینده ای یافت و خیزش فرهنگی و آگاهی بخش سیاسی، همه منطقه را فرا گرفت.»<sup>(۱۲)</sup>

سالها مبارزه ناموفق ضد استعماری و ضد استبدادی در کشورهای اسلامی، به تدریج جوانه های امید را در دل جوانان امت مسلمان به یأس و ناامیدی مبدل ساخت. تجربیات ناکام نهضتها و جنبشهای اسلامی در اغلب جوامع اسلامی، آرام آرام میان اندیشه سیاسی و مبارزاتی اسلام و شعایر عبادی و اخلاقی دین، فاصله ایجاد می کرد. اندیشه جدایی دین و سیاست، که تحمل و سازش با قدرتهای استکباری و حکام جایز را توجیه می کرد، به تلقی عام و فراگیری تبدیل گشته بود. در چنین فضا و شرایطی، ظهور حضرت امام و رهبری پیرومندان وی در انقلاب اسلامی ایران، روند جدیدی را در مسیر حرکت



تکاملی نهضت‌های اسلامی ایجاد نمود و پس از سالها رکود و وقفه بدان تحرک و پویایی بخشید.

شاید نادیده گرفتن نفوذ بین‌المللی انقلاب ایران ممکن نباشد. حتی در مواردی که برخی از مسلمانان نسبت به جنبه سیاسی اسلام بی‌اعتقاد شده بودند، انقلاب اسلامی ایران با احیای این جنبه، اعتقاد راسخ آنان را به این مطلب اعاده کرد و نشان داد که مسلمانان بار دیگر قادر خواهند بود استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را به دست آورند و یک بار دیگر به قدرتمندترین نیروی بین‌المللی تبدیل شوند.<sup>(۱۳)</sup>

برنامه ظلم ستیزی حضرت امام (ره) به عنوان تکلیف دینی و الهی، پیوند عمیق و همه جانبه‌ای را میان اندیشه‌های سیاسی - دینی آن حضرت و نهضت‌های اسلامی در سراسر جهان برقرار می‌سازد. همین پیوند ناگسستنی، براساس تکلیف شرعی و دینی، میان تمامی نهضت‌ها و جنبش‌های دینی برقرار بوده و زمینه‌های باروری و شکوفایی هرچه بیشتر این خیزش‌ها را از طریق اتحاد و همسویی نظری و عملی فراهم می‌آورد. امام خمینی (ره) این نکته را چنین بازگو می‌نماید: «برای من، مکان مطرح نیست؛ آنچه مطرح است، مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه صورت بگیرد، آنجا خواهم بود.»<sup>(۱۴)</sup>

بنابراین، ظلم ستیزی و مبارزه با استکبار زمانی که صبغه دینی و مکتبی به خود می‌گیرد، از قوی‌ترین انگیزه‌ها نیز برخوردار می‌گردد. نگرش سیاسی حضرت امام به تکالیف اجتماعی دین، موجب شد، تا دین و تعالیم دینی در عرصه‌های اجتماع حضور یافته و نقش چشمگیر خود را در انگیزش، تحریر و بسیج توده‌های مردم علیه نظام ظالمانه حاکم بر جوامع مستضعف بیش از پیش ایفا نماید. اگر در اندیشه سیاسی حضرت امام (ره)، مبارزه با ظلم و استکبار به عنوان یک تکلیف دینی مطرح می‌گردد، طبیعی است که این امر در تقویت و دلگرمی نهضت‌های اسلامی نقش بارزی ایفا خواهد کرد:

«خدای تبارک و تعالی ما را مکلف کرده که با این طور اشخاص، با این طور ظلم،

با اینهایی که اساس اسلام را دارند متزلزل می‌کنند و همه مصالح مسلمین را دارند به

باد می‌دهند، ما مکلفیم که با اینها معارضه و مبارزه بکنیم. اگر یک وقتی هم دستمان

برسد، دست به تفنگ می‌کنیم و معارضه می‌کنیم. خودمان تفنگ به دوشمان

می‌کنیم و معارضه می‌کنیم.»<sup>(۱۵)</sup>

فراز فوق، بیانگر موضع همه جانبه حضرت امام (ره) در قبال نارساییها و ناروایی‌های موجود در جوامع بشری است. اگر اغلب نهضت‌های اسلامی و اصلاحی در کشورهای اسلامی جهت‌گیری اصلاحی و مبارزاتی‌شان را در ابعاد خاص متمرکز نموده و احیاناً به وعظ و ارشاد و جهت‌دهی افکار و اذهان توده‌های مردم اکتفا نموده‌اند، حضرت امام با ارایه استراتژی جدید و فراگیر، روند مبارزات ضد استعماری و آزادی خواهانه را در کلیه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی پیشنهاد می‌نماید. شکل‌گیری خیزش‌های اسلامی در قالب مبارزه همه جانبه علیه استبداد و استعمار در برخی جوامع اسلامی، کاملاً از این استراتژی بهره برده و همین نکته، ضرورت انتقال نهضت‌های اسلامی از رویکرد اصلاحی به نگرش انقلابی و ضرورت انقلاب اسلامی را موجب می‌گردد.

### تاکید بر امت اسلامی

اندیشه شکل‌گیری و تحقق امت واحده اسلامی بر بنیان اعتقادی و ایدئولوژی اسلامی، از دیرباز مورد اهتمام و تاکید مصلحان دینی و پیشگامان نهضت اسلامی قرار داشته است. استراتژی وحدت حول محوریت امت واحده اسلامی، در اندیشه سیاسی، دینی حضرت امام (ره) از جایگاه بلندی برخوردار می‌باشد. رابطه عمیق و همه جانبه اعتقادی و دینی میان نهضت‌های اسلامی، موجب شده که حضرت امام (ره) از طریق ترویج و اشاعه تز امت واحده اسلامی، انقلاب اسلامی ایران را با نهضت‌های اسلامی جهان پیوندی استوار و ناگسستنی بخشیده و تحقق این ایده را کارسازترین استراتژی در مبارزه با جهان خواران و نیل به پیروزی عنوان نمایند. حضرت امام (ره) در این زمینه می‌گویند:

«ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی، در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما که برنامه اسلام است؛ وحدت کلمه مسلمین است؛ اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان...»<sup>(۱۶)</sup>

دقیقاً همین نگرش در نهضت دینی ایران و بنیانگذار آن است که نهضت اسلامی را

خصلتی فرا مرزی و فراگیر بخشیده و مبارزات رهایی بخش را در اقصی نقاط جوامع اسلامی و بلکه جوامع بشری هدایت می‌کند: «ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولتهای دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم؛ راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم...»<sup>(۱۷)</sup>

ثمرات ارزشمند و عمیق این تفکر در ایجاد همسویی میان جبهه نهضت جهانی اسلام است که کارسازترین استراتژی در مبارزه ضد استعماری ملل مسلمان و مستضعف محسوب می‌گردد:

«امروز مسلمانان در همه جای آسیا تا قلب آفریقا، در تمام خاورمیانه و در اروپا و آمریکا همه احساس می‌کنند که جزء یک جامعه جهانی بزرگ هستند؛ یعنی جزو امت اسلامی. این را امام (ره) در دنیا به وجود آورد. احساس شعور نسبت به امت اسلامی، بزرگترین حربه در دفاع از اسلام در برابر استکبار است.»<sup>(۱۸)</sup>

با توجه به اصول و مبانی سیاست دینی حضرت امام در قبال امت اسلامی و جوامع بشری، می‌توان رابطه عمیق و همه‌جانبه انقلاب اسلامی و نهضت‌های دینی در سراسر جهان را به خوبی کشف و مطالعه نمود. در همین راستا، تاثیرات ژرف و گسترده اندیشه‌های سیاسی آن حضرت بر نهضت‌های اسلامی را می‌توان شناسایی کرد. عمق این تاثیر را زمانی می‌توان دریافت که در اعتراضات و گفته‌های بیگانگان و مخالفین انقلاب اسلامی را مورد غور و واریسی قرار دهیم. رابین رایت، یکی از متفکرین غربی در این زمینه اظهار می‌دارد که: «سیزده سال پس از آنکه اولین حکومت مذهبی مدرن جهان با انقلاب ایران پایه‌گذاری شد، اسلام بار دیگر به عنوان یک اسلوب سیاسی قدرتمند مطرح شده است.»<sup>(۱۹)</sup>

و بدین سان، می‌توان گفت نهضت‌های اسلامی پس از سالها تجربه ناکام و ناموفق که با رکود و سکون همراه گشته و نسبت به توانمندی مدیریت معقول جامعه به وسیله تعالیم دینی نوعی تلقی منفی و ناباورانه را در میان جوامع موجب گردیده بود؛ با ظهور احیاگرایانه پیشگام نهضت دینی ایران، حضرت امام خمینی (ره) از تحرک و پویایی جدیدی برخوردار گردید و یک بار دیگر سیمای موفق و کارآمد اسلام و ایدئولوژی دینی در حوزه سیاست و مدیریت زندگی جمعی انسان، در بخشی از قلمرو جهان اسلام

به شکل خیره کننده‌ای تبلور یافت. بدین ترتیب، نهضت‌های اسلامی نسبت به مبانی اعتقادی و فکری خود ایمان راسخ یافته و به آینده روشن و موفق مبارزاتی خویش، امیدوار گردیدند.

اگر اثرات ژرف و همه جانبه امام خمینی (ره) بر نهضت‌های اسلامی را در یک نگاه گذرا و کلی بررسی نماییم، خواهیم دید که نهضت اسلامی در کلیه جوامع دینی، در دو بعد نظری و عملی تاثیرپذیری جدی از انقلاب اسلامی ایران داشته است. هر چند برشمردن و تبیین تمامی دستاوردهای جهانی انقلاب اسلامی ایران، خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد؛<sup>(۲۰)</sup> اما در پایان این نوشتار صرفاً مهمترین تاثیر امام خمینی (ره) بر نهضت‌های اسلامی در دو بعد نظری و عملی طرح و مورد جمع بندی قرار می‌گیرد.

### تاثیر نظری امام خمینی بر نهضت‌های اسلامی

همان طور که در لابلای مطالب قبل اشاره شد، به لحاظ نظری، اندیشه‌های سیاسی - دینی حضرت امام (ره) تاثیرات عمیق و همه جانبه‌ای را بر نهضت‌های اسلامی از خود به جای گذاشت. رویکرد مثبت نسبت به مدیریت معقول تعالیم دینی در حوزه‌های مختلف حیات جمعی انسان، امید به آینده روشن و موفق و مهمتر از همه، اعتماد به هویت دینی و اسلامی جوامع مسلمان، از بارزترین تأثیرات حضرت امام در بخش نظری محسوب می‌گردد. پیوند عمیق و همه جانبه‌ای که امام (ره) بین انقلاب اسلامی ایران و نهضت‌های دینی در سراسر عالم برقرار می‌نمایند، از یک سو نهضت دینی مردم ایران را به عنوان نقطه اتکا و منبع حمایتی برای این نهضتها قرار داد و از سوی دیگر، بنیان قدرتمند ایدئولوژی انقلاب، نهضت‌های اسلامی را نیز از مبانی فکری و ایدئولوژی پویا و بالنده‌ای برخوردار نمود.

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و تفسیری که او از اسلام ارایه کرد، دو انقلاب در سطح دنیای اسلام ایجاد کرد؛ انقلاب در داخل اسلام و گرایشات فقهی اسلام، به طوری که لزوم حرکت و جنبش را در این عصر مورد تاکید قرار می‌داد... و انقلاب دوم، آن بود که در سطح دنیای خارج از دین اسلام، فقهی را به وجود آورد و

تاکید بر این موضوع داشت که اسلام می‌تواند تغییر ایجاد کند و می‌تواند به حاکمیت برسد و دولت تاسیس کند؛ بر خلاف فکری که از دوره نهضت اروپا علیه اسلام بود، برخلاف دوره انتشار افکار مارکسیستی که اعتقاد داشت دین ملتها را ضعیف می‌کند و افیون ملتها است. به همین دلیل، انقلاب امام به مثابه تغییر بزرگی است که در دهه هشتم قرن بیستم در دنیا و در سطح حرکت‌های اسلامی و شخصیت‌ها رفته رفته بوجود آمد.<sup>(۲۱)</sup>

### موضع حمایتی امام از نهضت‌های اسلامی

بنیانگذار جمهوری اسلامی به دور از سازش‌های سیاسی و تعارفات رایج دیپلماسی معاصر، با اعتقاد راسخ به مسؤولیت دینی خویش در قبال امت اسلامی، همواره بر موضع حمایتی خود از نهضت‌های اسلامی پای فشرده و تا آخرین مرحله، پشتیبانی همه جانبه و بی‌دریغ خویش را از این جنبش‌ها اعلام داشته‌اند.

«ما از تمام نهضت‌های آزادی بخش در سراسر جهان که در راه خدا، حق و

حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم. ما بار دیگر پشتیبانی بی‌دریغ خود را از برادران مسلمان و مظلوم افغانی اعلام می‌داریم و اشغال اشغال‌گران را شدیداً محکوم می‌نماییم.»<sup>(۲۲)</sup>

امام در جای دیگر می‌فرماید:

«من بار دیگر پشتیبانی خودم را از تمام نهضت‌ها و جبهه‌ها و گروه‌هایی که برای

رهایی از چنگال ابرقدرت‌های چپ و راست می‌جنگند، اعلام می‌نمایم. من پشتیبانی خود را از فلسطین رشید و لبنان عزیز اعلام می‌دارم.»<sup>(۲۳)</sup>

حمایت و پشتیبانی از جنبش‌های رهایی بخش و اسلامی که بر باورهای سیاسی، دینی حضرت امام (ره) استوار بوده، موضع حمایتی و ظلم زدایی او را نه تنها در محدوده نهضت‌های اسلامی محدود ننموده که فراتر از آن، تمامی جنبش‌های رهایی بخش و ضد استعماری را مورد توجه قرار داده است: «ما از تمام کشورهای زیر سلطه برای به دست آوردن آزادی و استقلال، کاملاً پشتیبانی می‌نماییم و به آنان صریحاً می‌گوییم که حق

گرفتنی است.» (۲۴)

در یک بررسی گذرا و اجمالی، می‌توان گفت که جنبشهای اسلامی عمدتاً با دو معضل اساسی روبرو بوده‌اند:

۱- درک ناقص و احیاناً متضاد پیشگامان نهضت از تعالیم و آموزشهای دینی؛

۲- واکنش تند و منفی در برابر پدیده‌های فرهنگی و تمدن مغرب زمین.

نقیصه نخست، جنبشهای اسلامی را از داشتن یک بنیان اعتقادی جامع و قدرتمند که پاسخگوی معضلات و نیازمندی‌های جوامع معاصر باشد، محروم می‌ساخت و مشکل دوم، موجب می‌شد که از یک سو جنبشهای مزبور از دستاوردهای علمی و فرهنگی جدید محروم شده و از سوی دیگر، این جنبشها در میان جوامع به عنوان بنیادگرایی غیرموجه و خشونت طلب معرفی گردد.

در مورد نخست، حضرت امام (ره) با ارایه تفسیر جامع و همه‌جانبه از تعالیم دینی، تلاش نمود تا بنیان فکری و ایدئولوژیکی جنبشهای اسلامی را غنا و قدرت بخشد. در این راستا، ایشان میراث‌گرانقدر و مهم اندیشه تحول در اذهان مسلمین را سامان داده و با نگرش فقهاتی و واقع‌گرایانه خویش بین میراث اسلامی گذشته و باورهای دینی با تغییرات و نوآوریهای عصر جدید، نوعی پیوند و ارتباط منطقی را برقرار نمود. حضرت امام با تاکید بر اسلام به عنوان دین مترقی، زنده و خردمندانه، هویت دینی مسلمین را احیا و احساس افتخار و اعتقاد به اینکه اسلام می‌تواند جوابگوی نیازهای انسان معاصر باشد، به وجود آورد. (۲۵)

در مورد دومین نقطه ضعف جنبشهای اسلامی، حضرت امام (ره) با یک نگرش دو سویه در برابر غرب و مظاهر جدید تمدن و فرهنگ غربی، تلاش نمود تا جمود فکری و فرهنگی را از اندیشه دینی زدوده و نوعی تفکیک میان جنبه‌های مثبت و منفی تمدن جدید بوجود آورد. ایشان در این راستا، نگرانیهای داخلی جامعه را با ضرورت پاسخگویی به تهدید فرهنگ غربی و ملزومات نوگرایی درهم آمیخته و تلاش نمود تا بین نوگرایی غیر دینی و سنت‌گرایی مذهبی، ارتباط و همسازی ایجاد نماید. نوگرایی دینی حضرت امام (ره) یک برخورد دوگانه و جذب و دفع همزمان با غرب را ارایه

می دهد.<sup>(۲۶)</sup> بنابراین، تأثیری که حضرت امام (ره) در بعد نظری بر جنبشهای اسلامی از خود به جا گذاشت، علاوه بر اینکه پاسخ منطقی و مناسبی برای چالش نهضت‌های اسلامی با غرب ارایه نمود، قوی‌ترین احساس هویت دینی و باور راسخ بر کارآمد بودن تعالیم دینی و ایدئولوژی اسلامی را نیز از خود به یادگار گذاشت. بنابراین،

«تأثیر قابل توجه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، آن است که اسلام و مسلمانان به عنوان نیروی سیاسی و مذهبی جدی تلقی شدند و در نتیجه، مسلمین و تفکر آنها موضعی بسیار قوی‌تر از سابق در محاسبات و ارزیابیهای سیاسی بر قدرت‌ها پیدا کرد. برای اثبات این مدعا، می‌توان به آثاری که تحت عنوان: «قدرت جهان اسلام» حضور اسلام در صحنه» در تجدید حیات اسلام نوشته شده است، استناد کرد.»<sup>(۲۷)</sup>

### تأثیر عملی امام خمینی بر نهضت‌های اسلامی

اثرات عمیق اندیشه‌های والای رهبر دینی نهضت اسلامی ایران بر نهضت‌های اسلامی، تنها در بعد نظری و فکری محصور نگردیده؛ بلکه در بعد عملی نیز روند حرکت نهضت‌های اسلامی را تحت تأثیر داشته است. این امر در اندیشه سیاسی حضرت امام نیز از جایگاه بلندی برخوردار بوده است. اگر حضرت امام (ره) صدور انقلاب را به مثابه یک اصل اساسی عنوان نموده و آن را در قالب انتقال تجربیات انقلاب اسلامی ایران تعریف می‌کنند،<sup>(۲۸)</sup> این امر به مفهوم تأثیرگذاری عینی و عملی اندیشه‌های سیاسی و انقلابی ایشان بر نهضت‌های اسلامی است. از سوی دیگر، اغلب جنبش‌های اسلامی و کشورهای مسلمان، در روند مبارزات ضد استعماری شان، از تجربیات و دستاوردهای عینی انقلاب اسلامی ایران بهره برده‌اند که خود، جنبه‌هایی از تأثیرپذیری عملی این جنبشها از امام خمینی را به نمایش می‌گذارد.

«امتیازات خاصی که امام راحل (ره) به جای گذاشت و بر تمام مردم جهان

تأثیر نهاد، علاوه بر افکار و سیاست‌هایش، روش حیات و زندگی امام است. روش ساده و خاضعانه با روشی که برای دنیای معاصر نام‌نوس است.»<sup>(۲۹)</sup>

دقیقاً همین درس زندگی است که روحیه مبارزه و تقابل کوخ نشینان و مستضعفین در بند را در برابر استکبار و زورمندان جوامع بشری، جان دوباره بخشید. در همین زمینه، از زبان یکی از نویسندگان مصری چنین می‌خوانیم:

استقلال جدید نامیبیا و موج صلح موجود در جنوب آفریقا به هر صورت، نتیجه‌ای از این حرکت ایران است. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران با رهبری امام خمینی، یک حامی سیاسی، دیپلماتیک و مادی برای حرکت‌های آزادی بخش در جنوب آفریقا و استانهای مرزی تحت حمایت آن به شمار می‌رفت. انقلاب ایران به مستضعفان در حال جنگ جنوب آفریقا نیز کمک دومی در جنگ علیه سلطه نژادی داد.<sup>(۳۰)</sup>

اتکا و اعتماد جنبشهای اسلامی بر توده‌های مردم به عنوان مهمترین استراتژی موفق و پیروزمند و تکیه بر نیروی معنوی ایمان مردم به دور از سازشهای سیاسی، از مهمترین آثار و دستاوردهای نهضت دینی حضرت امام بود که مسیر مبارزاتی جنبشهای اسلامی را روندی جدید بخشیده و به آینده موفق امیدوار ساخت. «نتیجه‌گیری دیگری از انقلاب اسلامی، این است که یک نهضت اسلامی نه تنها به خودی خود با مخالفت کلیه ابرقدرتها و عمال محلی آنها روبرو می‌گردد؛ بلکه چنین نهضتی برای اینکه اصیل باشد و شانس موفقیت داشته باشد، باید سازش‌ناپذیر بماند.»<sup>(۳۱)</sup> همچنین سیره عملی و موفق حضرت امام، تأمین منافع عموم مردم مسلمان و گره زدن نهضت اسلامی با توده‌های مردم را به عنوان یک استراتژی موفق در مسیر مبارزات ضد استعماری بازگو نمود.

«این انقلاب، نتیجه دیگری نیز در بردارد. و آن، این است که نهضت اسلامی چنانچه با منافع و خواستهای مردمی به نحو صمیمی تلفیق یابد و یا در سطح ایدئولوژی محض محصور نگردد و چنانچه سازش‌ناپذیر بوده و هرگونه مشارکت در نظام موجود را رد کند، قادر خواهد بود بر کلیه رقبای غیر مذهبی سبقت جوید.»<sup>(۳۲)</sup>

و بالاخره اینکه، اسلام تولد مجدد خود را از امام خمینی دارد و او بود که با احیای ارزشهای فراموش شده میلیون‌ها انسان، تعجب رهبران غرب و جهانیان را برانگیخت. و دقیقاً در همین راستا است که دشمنان تاریخی انقلاب اسلامی، عاجزانه مجبور به



اعتراف می‌شوند که «آیه‌ا... خمینی الهام بخش مبارزات ضد اسرائیلی در لبنان و اراضی اشغالی است و تمامی گروه‌های مبارز اسلامی در مصر، فلسطین اشغالی، لبنان، اردن و سوریه را باید طرفدار امام خمینی نامید.»<sup>(۳۳)</sup>

پیشگامان جنبش‌های اسلامی در گذشته، عمدتاً از رابطه جدی و همه‌جانبه با توده‌های مردم محروم بوده و همین نکته، یکی از عوامل ناکامی این جنبش‌ها را تشکیل می‌دهد. تاثیر عملی امام خمینی بر نهضت‌های اسلامی در ارایه یک استراتژی عینی و موفق مبارزاتی بود که بر اساس آن، علما و روشنفکران به عنوان پیشگامان جنبش اسلامی با توده‌های مردم ترکیب می‌گردند. این، در حالی است که اغلب پیشگامان نهضت اسلامی، توده‌های مردم را به عنوان جاهل و مسلمان ظاهری می‌خواندند و به همین دلیل، از حمایت توده‌ها نیز محروم می‌گردیدند. ترکیب علما و توده‌های مردم مسلمان در ایران، قدرت ممتاز و شکست‌ناپذیر اسلام را پدید آورد که رژیم حاکم را سرنگون ساخت.»<sup>(۳۴)</sup>

### خلاصه و جمع بندی

گفته شد اندیشه سیاسی حضرت امام (ره) که تشکیل حکومت اسلامی در ایران متبلور عینی آن است، به دلیل خصلت دینی و ماهیت مکتبی خود، از پیوند عمیق و ناگسستنی با نهضت اسلامی در جهان برخوردار بوده است. به طور کلی آثار و دستاوردهای نهضت دینی و پیروزمندانه حضرت امام در ارتباط با جنبش‌های اسلامی و نهضت جهانی اسلام را در دو بخش نظری و عملی می‌توان تحلیل و ارزیابی کرد. خصلت جهانی بودن انقلاب اسلامی ایران و اصولی چون؛ دعوت؛ صدور انقلاب، جبهه مستضعفین، ظلم زدایی و استکبار ستیزی و تاکید بر امت اسلامی و وحدت جهانی اسلام، مهمترین محورهایی است که می‌توان رابطه تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر نهضت اسلامی و جنبش‌های اسلامی را ذیل آن طرح و واریسی نمود. از سوی دیگر، مجموعه آثار و دستاوردهای جهانی انقلاب اسلامی و نقش امام خمینی (ره) نسبت به نهضت‌های اسلامی را در دو بعد کمی و کیفی می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد. از فردای

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و تحت تاثیر آن، جهان اسلام متحول شد. یکی از تجلیات این تحول را باید در تغییر کمی و کیفی جنبشهای اسلامی و رهایی بخش جست و جو کرد. از نظر کمی، شمار جنبشهای اسلامی افزایش یافت و از خاور دور تا کرانه‌های اقیانوس اطلس و مغرب اسلامی را در بر گرفت که در این خصوص، جنبشهای رهایی بخش در کشمیر، افغانستان، تونس، الجزایر، آسیای میانه و کشورهای حوزه خلیج فارس را می‌توان نام برد. تغییرات کیفی محسوس تر بود؛ حرکت‌های ملی، مارکسیستی و التقاطی رنگ باخته و تحركات اسلامی نضج گرفت. افغانستان، نمونه جایگزینی قیام اسلامی به جای حرکات مارکسیستی است و لبنان و فلسطین نمود جانیشینی اسلام انقلابی به جای حرکات قومی و التقاطی است.<sup>(۳۵)</sup> نمونه روشن تغییر کیفی نهضت‌های اسلامی را در اظهار نظر یکی از پیشگامان نهضت‌های اسلامی چنین می‌خوانیم:

«در نتیجه تاثیر انقلاب اسلامی تحت رهبری امام خمینی، مسلمانان سراسر جهان به یک زبان و افکار تازه سیاسی برای محاوره دست یافتند. این زبان و افکار سیاسی جدید، به کالبد فرهنگ سیاسی اسلام جان تازه‌ای بخشید و مسلمانان را در سراسر جهان وارد معادلات سیاسی کرد.»<sup>(۳۶)</sup>

حضرت آیه... خامنه‌ای مقام معظم رهبری در خصوص تاثیر کمی انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) بر نهضت‌های اسلامی معاصر چنین می‌گویند:

«امروز جوانان مسلمان در مصر، الجزایر، سودان و دیگر کشورهای شمال آفریقا، خاور میانه و شرق آسیا به نام جمهوری اسلامی ایران و امام عظیم الشان شعار می‌دهند و این، در حالی است که پیوسته صدها کتاب علیه تشیع و نظام اسلامی، در جهان انتشار می‌یابد و هدف از آن، خاموش کردن شعله عشق و ایمان جوانان مسلمان در سراسر جهان نسبت به ایران اسلامی است... مسلمانان در اقصی نقاط جهان از حاکمیت اسلام در سرزمین ایران امید و نشاط می‌گیرند و جوانان و روشنفکرانی که به اسلام روی آورده‌اند، با الهام از همین کانون نورانی، در راه احساسات اسلامی خود مبارزه و فداکاری می‌کنند.»<sup>(۳۷)</sup>

---

آنچه امروز نهضت‌های اسلامی با آن روبرو است، نه ضعف بنیانهای فکری و ایدئولوژیکی است و نه فقدان تجربیات کاری و استراتژی مبارزاتی؛ بلکه مشکل امروزه جنبشهای اسلامی، فقدان انسجام و همسویی و در نتیجه فقدان یک جهت‌گیری قاطع و جدی در برابر نظام سیاسی حاکم بر جهان است. بدون تردید، اندیشه‌های امام خمینی (ره) و راه و رسم زندگی سیاسی او می‌تواند جنبشهای اسلامی را در این زمینه یاری رسانده و کاستیهای موجود را رفع و یا حداقل تقلیل بخشد.

## پی نوشت ها:

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹.
۲. کلیم صدیقی، مسایل نهضت‌های اسلامی، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸.
۳. راشد الغنوشی، حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، موسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۲، ص ۹۷.
۴. حامد الگار، انقلاب اسلامی در ایران، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیدری، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۶۰، ص ۱۴۵.
۵. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۱۵.
۶. صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۱۴.
۷. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۸.
۸. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۶۶.
۹. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۲۷.
۱۰. صحیفه نور، ج ۴، ص ۳.
۱۱. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۴۹.
۱۲. حسن الترابی، گفتگو با روزنامه‌کیهان، ۱۳۷۱/۱۲/۸.
۱۳. محمد امین امین، نهضت‌های بین‌المللی اسلامی و تاثیر آن بر نهضت اسلامی اندونزی، مجله حضور، شماره ۱۳، ۱۳۷۴، ص ۱۸۰.
۱۴. آیین انقلاب اسلامی، ص ۳۹۰.
۱۵. صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۸۴.
۱۶. صحیفه نور، ج ۱، ص ۸۴.
۱۷. ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، ص ۴۲.

۱۸. حضرت آیه‌آ... خامنه‌ای، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱ / ۱۱ / ۱۹.
۱۹. مجله سیاست خارجی، سال هفتم، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۳.
۲۰. استاد عمید زنجانی بیش از ده مورد را به عنوان نمونه هایی از تاثیر و دستاوردهای جهانی انقلاب اسلامی ایران برمی شمارد. ر.ک به: عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، نشر طویی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۵۱.
۲۱. طلال عترسی در گفتگو با مجله حضور، شماره ۱۱، خرداد ۱۳۷۴، ص ۲۱.
۲۲. در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر ۱۵، صص ۲۴۹-۲۵۰.
۲۳. همان، ص ۲۵۱.
۲۴. همان، ص ۲۵۰.
۲۵. مجله سیاست خارجی، سال دهم، بهار ۱۳۷۵، ص ۶۹.
۲۶. همان، ص ۷۴.
۲۷. کلیم صدیقی، روزنامه کیهان، ۱۳۶۹/۳/۱۰.
۲۸. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۱۷.
۲۹. طلال عترسی در گفتگو با مجله حضور، شماره ۱۱، خرداد ۱۳۷۴، ص ۲۳.
۳۰. فهیمی هویدی، مجله حضور، پیشین، ص ۲۸۱.
۳۱. حامد الگار، پیشین، ص ۱۴۸.
۳۲. همان، ص ۱۴۹.
۳۳. مجله حضور، شماره ۹، ص ۲۹۷.
۳۴. کلیم صدیقی، پیشین، ص ۸۵.
۳۵. جعفر حق پناه، تاثیر تفکر و حرکت امام خمینی در جهان اسلام، کیهان، ۱۳۷۰ / ۳ / ۹.
۳۶. کلیم صدیقی، روزنامه کیهان، ۱۳۷۰ / ۳ / ۹.
۳۷. حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴ / ۶ / ۲۱.